

آسیب‌شناسی مقالات علمی-پژوهشی در حوزهٔ مثنوی‌پژوهی از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۲

مقصود پاشائی پایدار*، فاطمه کوپا، مصطفی گرجی، احمد محمدی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

سال شانزدهم، شماره یازدهم، بهمن ۱۴۰۲، شماره پی در پی ۹۳، صص ۱۱۸-۱۰۵

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.16.7184

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: یکی از معیارهای پیشرفت تولید علم در جوامع دانشگاهی، نوشتن مقاله علمی-پژوهشی است. انتشار مقالات علمی-پژوهشی در دورهٔ معاصر، فرصتی مناسب برای به اشتراک گذاشتن یافته‌های پژوهشگران و آگاهی مخاطبان از تازه‌ترین دستاوردهای علمی است. برغم رشد کمی انتشار اینگونه مقالات در دههٔ اخیر، به ارزیابی و نقد آنها توجه کافی نشده است. در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نیز یکی از زمینه‌های تحقیق و تفحص، بررسی متون بزرگان عرفان و تصوف مانند حافظ، سنایی، و مولوی است. در این میان مولوی از جمله اشخاصی است که دربارهٔ آرا و افکارش، محققان زیادی قلمفرسایی کرده‌اند و دیدگاه‌های او را با توجه به آثارش نشان داده‌اند. از میان آثار مولوی، کتاب مثنوی معنوی او جایگاه ویژه‌ای در شناساندن افکار مولوی دارد و مقالات فراوانی دربارهٔ مثنوی نوشته شده است. هدف این جستار، نقد و بررسی و آسیب‌شناسی این آثار با توجه به حجم زیاد آنها است.

روش مطالعه: در این مقاله ۳۵۵ مقاله علمی-پژوهشی منتشرشده در مورد مثنوی، در نشریات مختلف دانشگاهی و غیردانشگاهی به زبان فارسی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲، با روش توصیفی-تحلیلی به دو صورت زمان چاپ و موضوع مقالات مورد نقد، بررسی و طبقه‌بندی قرار گرفته است و نقاط ضعف این مقالات از لحاظ ساختار بررسی شده است.

یافته‌ها: در بسیاری از این مقالات کاستی‌ها و معایبی از قبیل ناهماهنگی عنوان با محتوا، نامتناسب بودن چکیدهٔ مقاله، بیتوجهی و یا کم‌توجهی به پیشینهٔ تحقیق، بکارگیری زبان نامناسب، توصیفی و سطحی بودن مقالات، عدم رویکرد به پژوهشهای تحلیلی، تکراری بودن موضوع، و تحمیل معنا به متن وجود دارد.

نتیجه‌گیری: از بررسی آسیبهای ذکرشده، این نتیجه حاصل میشود که علیرغم کمیت زیاد مقالات دربارهٔ مثنوی مولوی در بازهٔ زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲، کیفیت این مقالات در وضع چندین مطلوبی نیست و از آنجا که پاره‌ای از این آسیبها گریبانگیر مقالات چاپ‌شده در مجلات دانشگاهی و علمی-پژوهشی نیز هست، امید است با اجرای رویکردهای اصلاحی و دقت بیشتر مجلات در پذیرش و چاپ آثار، مقالات حوزهٔ مثنوی از کیفیت بهتری برخوردار گردند.

تاریخ دریافت: ۱۶ بهمن ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۲۱ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۲۰ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

مثنوی معنوی، مقالات علمی،

طبقه‌بندی، آسیب‌شناسی مقالات

* نویسنده مسئول:

koupa8982@pnu.ac.ir

۸۴۲۳۴ (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Pathology of scientific-research articles in the field of Masnavi studies from 2001 to 2013

M. Pashaei Paydar, F. Koupa*, M. Gorji, A. Mohammadi

Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 05 February 2023

Reviewed: 12 March 2023

Revised: 09 April 2023

Accepted: 10 May 2023

KEYWORDS

Masnavi, scientific articles, classification, pathology of articles.

*Corresponding Author

✉ koupa8982@pnu.ac.ir

☎ (+98 21) 84234

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: One of the criteria for the progress of science production in academic societies is to write a scientific-research article. The publication of scientific-research articles in the contemporary period is a good opportunity to share the findings of researchers and inform the audience about the latest scientific achievements. Despite the quantitative growth of the publication of such articles in the last decade, not enough attention has been paid to their evaluation and criticism. In the field of Persian language and literature, one of the fields of research is the examination of the texts of mystics and mystics such as Hafez, Sana'i, and Molavi. In the meantime, Molavi is one of the people who have written many scholars about his opinions and thoughts and have shown his views according to his works. Among Maulavi's works, his spiritual Masnavi has a special place in introducing Maulavi's thoughts and many articles have been written about Maulavi. The purpose of this essay is to review and analyze these works due to their large volume.

METHODOLOGY: In this article, 355 scientific-research articles published on Masnavi, in various academic and non-academic publications in Persian language from 2001 to 2013, with a descriptive-analytical method in two forms, the time of publication and the subject of the articles under review, review and classification It has been classified and the weak points of these articles have been examined in terms of structure.

FINDINGS: In many of these articles, there are shortcomings and disadvantages such as the inconsistency of the title with the content, the disproportion of the abstract of the article, inattention or lack of attention to the background of the research, the use of inappropriate language, the descriptive and superficial nature of the articles, the lack of approach to analytical research, there is the repetitiveness of the subject, and the imposition of meaning on the text.

CONCLUSION: From the examination of the mentioned damages, it can be concluded that despite the large number of articles about Maulavi's Masnavi in the period of 2001 to 2013, the quality of these articles is not very favorable and since some of these damages are affecting the articles published in There are also academic and scientific-research journals, it is hoped that with the implementation of reform approaches and more accuracy of journals in accepting and publishing works, Masnavi's articles will be of better quality.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.10.7184](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.10.7184)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 2	 1	 2

مقدمه

مقالات مثنوی‌پژوهی در همهٔ برهه‌ها دارای تنوع قابل ملاحظه‌ای است و شامل معرفی و نقد کتابها و مقالات، زندگینامهٔ مولوی، متن‌شناسی، شرح و گزارش ابیات، بلاغت، تحلیل داستانی، مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای، ترجمه‌ها، آرا و اندیشهٔ مولوی است. بر این اساس نقد و بررسی و آسیب‌شناسی آثاری که در پیوند با مولوی و مثنوی به نگارش درآمده ضرورت می‌یابد. از آنجا که در روزگار ما مقاله جایگاه مهمی در آموزش و پژوهش دارد، آسیب‌شناسی مقالات گام مهمی در راه نزدیک شدن به پژوهشهای علمی به شمار می‌آید. در این تحقیق ۳۵۵ مقاله که دربارهٔ مثنوی معنوی در فاصلهٔ سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ در نشریات علمی-پژوهشی دانشگاهی و غیردانشگاهی مختلف به چاپ رسیده، آسیب‌شناسی شده است. آسیب‌شناسی مقاله‌ها از دو جنبهٔ ساختاری و محتوایی با هدف کمک به حوزهٔ مثنوی‌پژوهی و مشخص کردن موضوعهایی که کمتر به آن توجه شده است، پیگیری شده است. لازم به ذکر است به دلیل پرهیز از طولانی شدن مطلب، در آوردن مثالهای قسمت بررسی و تحلیل، فقط به ذکر چند نمونه اکتفا شده است. البته نتایج این بررسی را نباید تنها به مقالات بررسی شده محدود دانست؛ زیرا آسیبهای ذکر شده کماکان گریبانگیر مقالات پیش و پس از مقالات است و تا حدی قابل تعمیم به پژوهشهای سایر حوزه‌های ادب فارسی است.

در این مقاله سعی شده به سؤالیهای زیر پاسخ دهیم:

مقاله‌های نوشته‌شده دربارهٔ مثنوی از نظر موضوعی به چند حوزه و با چه تعداد و درصدی در هر حوزه نگارش یافته‌اند؟

در چه بازهٔ زمانی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ رویکرد به مثنوی‌پژوهی بیشتر بوده و چه دلایلی داشته است؟

ساختار مقالات علمی-پژوهشی در مقالات مورد نظر دارای ساختار کامل هستند یا نواقصی دامنگیر آنهاست؟

بیشترین آسیب مقالات نوشته‌شده در کدام بخش است؟

نقد مقاله‌ها و محتوا و اصالت موضوعی از دیگر مواردی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

روش مطالعه

در این تحقیق ابتدا نمونه‌گیری از سه جنبه انجام شده است:

از حیث زمانی، مقالات علمی-پژوهشی چاپ‌شده در بازهٔ زمانی ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۹۲ به نگارش درآمده‌اند. از جنبهٔ اعتبار مجلات، دامنهٔ پژوهش این مقاله، مجلات دانشگاهی و غیردانشگاهی مرتبط با تحقیقات ادبی است. از جنبهٔ موضوعی، به مقالاتی که بر اساس عنوان و کلیدواژه‌ها، به بررسی مثنوی در خصوص آرا، اندیشه‌ها، نظرات و اشعار مولوی در مثنوی معنوی پرداخته‌اند توجه شده است. در مرحلهٔ بعدی بررسی و نقد مقالات صورت گرفته و در نهایت به ارزیابی کلی آنها پرداخته شده است.

مجموع مقاله‌های چاپ‌شده در بازهٔ زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ جمعاً ۳۵۵ مقاله علمی-پژوهشی است که در چهل‌وشش نشریهٔ علمی-پژوهشی وزارتین به چاپ رسیده‌اند. اغلب این نشریات، نشریات دانشگاهی است مانند نشریهٔ زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز، نقد ادبی، پژوهشهای ادبی دانشگاه تربیت مدرس تهران، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ادبیات عرفانی، پژوهشنامهٔ ادبیات داستانی، پژوهشهای ادبیات تطبیقی، زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، متن‌پژوهی ادبی، مطالعات زبانی و بلاغی، نقد ادبی، نقد و نظریهٔ ادبی، مجلهٔ دانشکدهٔ علوم انسانی و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.

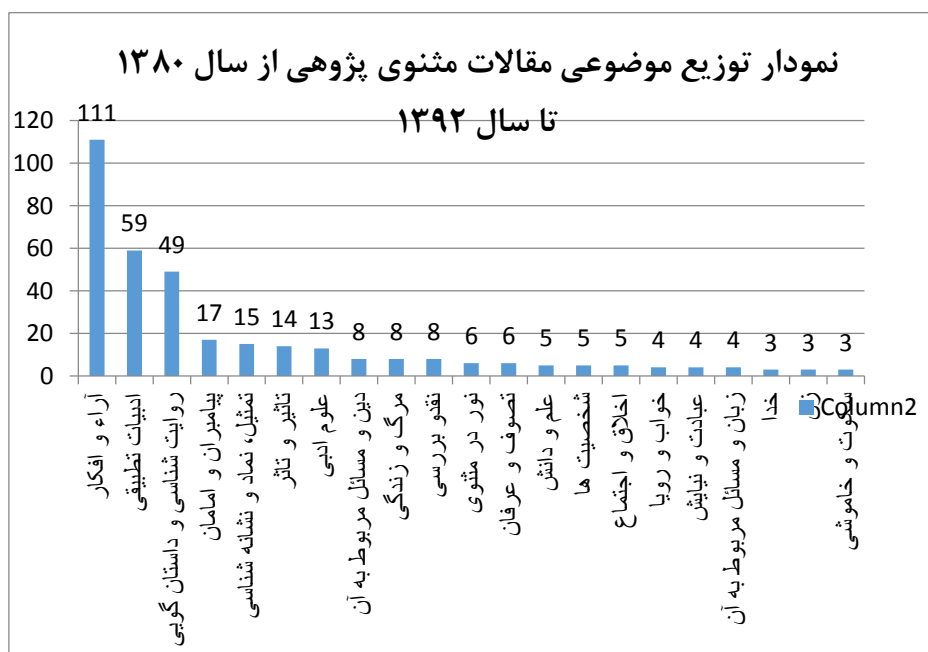
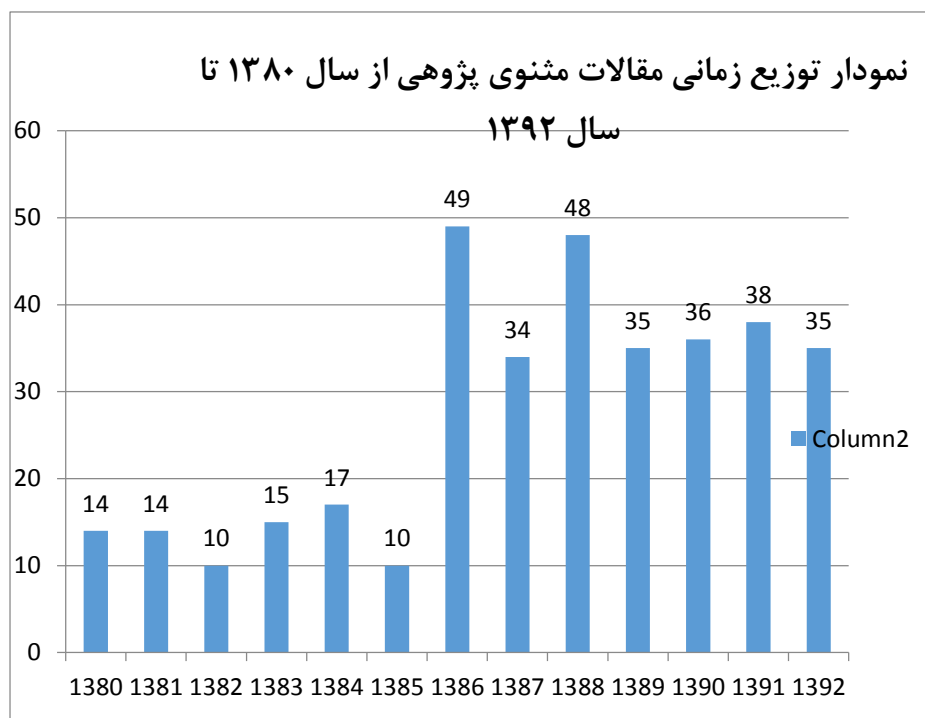
سابقه پژوهش

بعنوان پیشینه تحقیق میتوان از مقاله سیدحسن اسلامی اردکانی با عنوان «فره‌ی یا آماس؛ تحلیل ساختار مقالات (نا) علمی-پژوهشی در علوم انسانی» نام برد. خلاصه کلام مؤلف در این مقاله این است که در اکثر مقالاتی که نام علمی-پژوهشی بر آنها نهاده شده است فقط ساختار اینگونه مقالات رعایت میشود و از محتوا خالی هستند. این معضل از آنجا ناشی میشود که این مقالات از مقاله بودن فقط ساختار را به ارث برده‌اند و در آنها روح تحقیق، دغدغه، تأمل، تحلیل و مانند آنها به چشم نمیخورد (اسلامی اردکانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). مقاله بعدی «مثنوی و مقاله‌نویسی در سده اخیر» است که مصطفی گرجی در سال ۱۳۸۴ آن را به چاپ رسانده است. در این مقاله گزارشهای آماری درباره مقاله‌های مثنوی پژوهی ارائه شده و بر پایه این گزارشها، توجه غربیان به مولوی، سیر زمانی مقاله‌نویسی در باب مثنوی در ایران و دسته‌بندی موضوعی مقاله‌های این حوزه بررسی شده است. همچنین مقاله «آسیب‌شناسی مقاله‌های مثنوی پژوهی از نظر توجه به مشرب عرفانی مولوی» تألیف میر باقری فرد و همکاران. در این مقاله، مقالات مثنوی پژوهی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ با توجه به سنت و مشرب عرفانی مولانا مورد نقد و تحلیل واقع شده‌اند. بر اساس این تحقیق از مجموع مقالات یادشده فقط یازده مقاله به مشرب عرفانی مولانا توجه کرده‌اند و هفت مقاله از یازده مقاله نامبرده شده، بطور غیرروشمند و نامنسجم چنین تبیین کرده‌اند که شیوه عرفانی مولوی با این عربی متفاوت است. و مقاله خسرو قاسمیان با عنوان «بررسی کارنامه مثنوی پژوهی در ایران» که در این مقاله سعی شده است کارنامه مثنوی پژوهی در ایران به دو دوره زمانی تقسیم شود و در حد توان همه آثاری که از گذشته تا سال ۱۳۸۳ خورشیدی درباره مثنوی به صورتهای تألیف، تصحیح و ترجمه چاپ گردیده است، بررسی، موضوع‌بندی و طرح شود؛ بنابراین مقاله حاضر محصول پژوهشی است که در آن صدوچهارده عنوان کتاب، در دوپست‌وده جلد و ۹۸۲۱۰ صفحه نقد و بررسی شده است.

بحث و بررسی

طبقه‌بندی مقاله‌ها بر اساس زمان و محتوا

پس از مطالعه دقیق مقالات موجود، مقالات بصورت ذیل در بیست‌ودو موضوع طبقه‌بندی شدند که عبارتند از: اندیشه‌ها (۱۱۱ مقاله)، ادبیات تطبیقی (۵۹ مقاله)، روایت و قصه‌پردازی (۴۹ مقاله)، پیامبران و امامان (۱۷ مقاله)، عرفان و اصطلاحات عرفانی (۱۶ مقاله)، تمثیل و نماد و نشانه (۱۵ مقاله)، تأثیر و تأثر (۱۴ مقاله)، علوم ادبی (۱۳ مقاله)، مباحث دینی، مذهبی و کلامی (۸ مقاله)، مرگ و زندگی (۸ مقاله)، نقد و بررسی (۸ مقاله)، نور (۶ مقاله)، علم و دانش (۵ مقاله)، سکوت و خاموشی (۳ مقاله)، زن (۳ مقاله)، خدا (۳ مقاله)، خواب و رؤیا (۴ مقاله)، نماز، دعا و نیایش (۴ مقاله)، اخلاق و اجتماع (۵ مقاله)، زبان و مسائل آن (۴ مقاله)، و شخصیتها (۵ مقاله). محتوا و زمان چاپ مقاله‌های نوشته‌شده در فاصله زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ را میتوان در دو نمودار ذیل نشان داد:



بر اساس نمودار شماره ۲ از نظر محتوا، بیشترین مقاله‌ها به ترتیب مربوط به موضوع آرا و افکار (۱۱۱ مقاله)، ادبیات تطبیقی (۵۹ مقاله)، روایت‌شناسی و داستان‌گویی (۴۹ مقاله) میشود. از نظر زمانی نیز با توجه به نمودار شماره ۱، سالهای ۱۳۸۶ با ۴۹ مقاله و ۱۳۸۸ با ۴۸ مقاله در صدر نمودار قرار دارند. علت افزایش چاپ مقاله در این سالها میتواند نامگذاری سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۰ م) به نام مولانا از طرف یونسکو باشد که باعث برگزاری همایشها و کنفرانسهای متعددی گردید که حاصل آنها بصورت مقاله در نشریه‌های مختلف به چاپ رسیده است.

آسیبهای ساختاری مقالات حوزهٔ مثنوی‌پژوهی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲

جامعهٔ آماری تحقیق حاضر که شامل ۳۵۵ مقالهٔ علمی-پژوهشی چاپ‌شده در نشریات علمی-پژوهشی داخل کشور است، از لحاظ ساختار مقالات از قبیل عنوان، چکیده، کلیدواژه، کلیات تحقیق، پیشینهٔ تحقیق، رویکرد به مثنوی و تعداد مؤلفان را میتوان مطابق جدول ذیل نشان داد و درصد آنها را مشخص نمود.

فقد چکیده مقاله	فقد کلیدواژه	فقد کلیات تحقیق	فقد پیشینهٔ تحقیق	فقد رویکرد به مثنوی	تعداد مؤلفان مقالات انفرادی/ مشارکتی
۶ مقاله	۷ مقاله	۱۸ مقاله	۳۰۵ مقاله	۲۱ مقاله	۲۲۰ مقاله / ۱۳۵ مقاله
۱,۶۹ درصد	۱,۹۷	۵,۰۷	۸۵,۹۱	۵,۹۱	۳۸,۰۳۶۱,۹۷

آسیب‌شناسی عنوانی

انتخاب موضوع تحقیق و تنظیم عنوان، اولین و مهمترین گام در هر پژوهش و یکی از نشانه‌های تسلط و مهارت نویسنده نسبت به موضوع است؛ لذا میتوان از آن بعنوان اولین معیار ارزشیابی تحقیقات دانشگاهی یاد کرد (عسکری، ۱۳۸۹: ۹۸). عنوان مقاله از اهمیتی خاص برخوردار است. با وجود آنکه به ظاهر چند کلمه‌ای بیش نیست، در اصل یکی از مهمترین عناصر مقالهٔ علمی است که دارای ارزش زیادی است و رمزی از رموز موفقیت مقاله به حساب می‌آید. در مجموع عنوان هر اثر جلوه‌ای از هویت آن اثر است و مفهوم اصلی آن را نشان میدهد؛ لذا باید متناسب با موضوع، اهداف و نتایج پژوهش باشد و موضوع پژوهش را بطور مختصر برای خواننده نشان دهد. عنوان، فشرده‌ای منضبط از مطالب متن است که تفصیل آن در فهرست مندرجات و سپس در متن اصلی متجلی میشود (حری، ۱۳۸۸: ۱۴). بر همین اساس عنوان باید با موضوع و محتوای آن تناسب و همخوانی لازم را داشته باشد، تا بتواند گویای محتوای اصلی مقاله باشد و رهنمونی برای خواننده به محتوا و موضوع آن باشد. به عبارت دیگر، موضوع و عنوان اگرچه به یکدیگر مرتبطند، اما یکی نیستند؛ عنوان بسیار جزئیتر و دقیقتر از موضوع به تبیین محتوای اثر میپردازد (ایمان‌پور و ناظری، ۱۳۹۵: ۲۵). جدای از ویژگیهایی که برای عنوان یک مقاله از قبیل: محدود و خاص بودن، کوتاه بودن، روشن بودن، جذابیت، و دلالتگر ذکر کرده‌اند، «عنوان، هویت مقاله و محتوای آن و هدف اصلی تحقیق را به نمایش میگذارد» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۱۶۲) و باید حاوی متغیرهای اصلی مقاله

باشد؛ لذا چنانچه عنوان فاقد ویژگیهای خاص خود باشد و از طرفی با موضوع نیز تناسب پیدا نکند، عاملی برای کاهش اعتبار علمی مقاله خواهد بود. در بررسیهای انجام‌شده در این تحقیق، آسیبهای عنوان از قبیل طولانی بودن عنوان، روشن نبودن عنوان، و عدم تناسب بین عنوان برخی از مقاله‌ها و موضوع آنها و نیز تشابه عنوانی دیده شد. بعنوان مثال مقالات «انترناسیونالیسم عرفانی، مبانی نگرش انسان‌شناختی مولانا (تلقی فرااقلیمی و فرامادی از انسان و تأویل عرفانی از وطن در انسان‌شناسی عرفانی مولانا)»، «چندآوایی و منطق گفتگویی در نگاه مولوی به مسئلهٔ جهد و توکل با تکیه بر داستان شیر و نخجیران»، «حدوث و قدم از دیدگاه مولانا جلال‌الدین بلخی و حکیم ناصر خسرو و تأثیر فکری آنها در متون ادبی»، «رویکرد نشانه-معناشناختی فرایند مربع معنایی به مربع تنشی در حکایت دقوی مثنوی»، «قصهٔ مری کردن رومیان و چینیان در علم نقاشی و صورتگری؛ مقایسهٔ روایت مولوی با روایات غزالی، نظامی، انوری و داعی حسنی»، «الگوی کنشگر در برخی روایتهای کلامی مثنوی معنوی بر اساس نظریهٔ الگوی کنشگر آلژیرداس گرماس»، «یک حکایت، چند روایت، نقد و نظری تطبیقی بر داستان نگرستن عزرائیل بر مردی... در مثنوی و الهینامه با نگاهی به چند مأخذ دیگر»؛ از جمله مقالاتی هستند که عنوان آنها کمابیش طولانی است.

از مهمترین آسیبهای تهدیدکنندهٔ دیگر مقالات، مشابهت عنوانی مقالات است. در مقالات مثنوی‌پژوهی نیز این آسیب مشاهده میشود. مقالاتی مثل «ویژگیهای شخصیتی زنان در مثنوی»، «زن در اندیشه و زندگی مولانا»، «زن در سه دفتر نخست مثنوی معنوی»، «بررسی تطبیقی زن در عرفان مولانا و ابن عربی» مشابهت عنوانی دارند و نیز «مقالات راز در مثنوی مولانا»، و «راز و رازداری در عرفان مولوی» مشابهت عنوانی دارند و همچنین دو مقالهٔ «داستان‌پردازی و شخصیت‌پردازی در مثنوی مولوی» و «داستان‌پردازی و شخصیت‌پردازی مولوی در مثنوی معنوی»، در عنوان مشابه هستند. دو مقالهٔ «تحلیل کهن‌الگویی حکایت پادشاه و کنیزک مثنوی بر اساس دیدگاه یونگ» و «تحلیل کهن‌الگویی داستان پادشاه و کنیزک» نیز در عنوان مشابه هستند. و نیز دو مقالهٔ «پیرامون معرفت در مثنوی مولوی؛ مفهوم نظرگاه در اتاق تاریک و فیل» و «پیل چرا در خانه تاریک بود؟» عنوانی مشابه دارند. دو مقالهٔ «بی آغاز و انجام بودن مثنوی» و «پایان ناتمام مثنوی مولوی» نیز تقریباً عنوانی مشابه دارند. همچنین دو مقاله با عناوین «بررسی تطبیقی برخی از مسائل مرتبط با ایمان از دیدگاه مولانا و کی یر کگور» و «بررسی و تحلیل کهن‌الگوی ایمان ابراهیمی در نگاه مولوی و سورن کرکه‌گور» عناوینی مشترک دارند.

ناهماهنگی عنوان با محتوا

از آنجا که عنوان هر مقاله معرف و کلید ورود به محتوای آن محسوب میشود، ضروری است نویسندگان با نهایت دقت برای مقالهٔ خود عنوانی برگزینند که تا حد امکان کوتاه، روشن و گویای موضوع و محتوای آن باشد و از گزینش عناوین ادبی، مبهم و ناهماهنگ با محتوا پرهیز کنند. در مقالهٔ «آخرین امپراتور؛ امپراتور جونز و مضمون پادشاه ظاهری مولوی» (۱۳۸۹)، عنوان مقاله جامع محتوای مقاله نیست. مخاطب با توجه به عنوان مقاله در پی مشخصات پادشاهان ظاهری بر اساس آموزه‌های مولوی است، در حالیکه به این مقصود نمیتواند دست یابد؛ چراکه مؤلف فقط هفت بیت از مثنوی مولوی را در این باب ذکر کرده که از این هفت بیت نمیتوان آرا و اندیشهٔ مولانا را در این باره نشان داد. و یا در مقالهٔ «بازتاب شاهنامهٔ فردوسی در مثنوی معنوی» (۱۳۸۴)، خواننده از عنوان مقاله این برداشت را میکند که مولوی در جای جای مثنوی از داستانها و اساطیر شاهنامه بهره‌ها برده است و مؤلف در پی آشکار کردن این تلمیحات است، ولی مؤلف فقط برخی از اسامی شخصیتها مانند رستم، سهراب، بهمن، و سرو را که در شاهنامه و مثنوی آمده است استخراج کرده و بصورت تیتروار توضیح داده است. اما واقعیت این است که

اگر مولوی با شاهنامه آشنایی نداشت، همه این مواردی را که نویسنده مقاله آنها را عامل تأثیر مولوی از شاهنامه دانسته است، در ذهن نقاد مولوی می‌توانست وجود داشته باشد و آوردن آنها در مثنوی نمی‌تواند نشانی بر تأسی مولوی از شاهنامه باشد. یا مقاله «تمثیل، آیین اجتماع» دارای عنوانی ادبی است و نیز عنوان مقاله «هم ز نساجی برآمد هم ز دین» (۱۳۸۸) گویای محتوای مقاله نیست و همچنین در مقاله «غلغل اجزای عالم بشنود» عنوان اصلی مقاله نمایانگر محتوای آن نیست؛ لذا مؤلف در ادامه توضیحی آورده تا عنوان و متن متناسب باشند. در مقاله «غیب‌اندیشی مولوی در مثنوی معنوی» (۱۳۸۸) عنوان مقاله ناقص است. مقصود مؤلف از غیب‌اندیشی، نگرش مولانا به جهان عالم غیب است، ولی ترکیب غیب‌اندیشی نمی‌تواند این مفهوم را منتقل نماید و بهتر بود عنوان مقاله به یک عبارت بهتر مثل «دیدگاه مولانا نسبت به عالم غیب در مثنوی» و یا از این قبیل موارد تبدیل میشد. رضا اشرف‌زاده مقاله‌ای دارد با عنوان «قصه طوطی جان؛ مقایسه طوطی و حکیم عطار با طوطی و بازگان مولوی» (۱۳۸۱) که با توجه به عنوان مقاله چنین برمی‌آید که موضوع آن مقایسه دو حکایت طوطی و حکیم عطار با طوطی و بازگان مولوی است. اما مؤلف در متن مقاله علاوه بر اینکه حکایت طوطی و حکیم عطار از اسرارنامه را نقل میکند، به این حکایت در کتاب دیگری نیز از فخر رازی اشاره دارد و آن را نیز مورد نقد و بررسی قرار داده است؛ لذا بهتر بود در عنوان مقاله نیز به این مورد اشاره میکرد.

بیتوجهی به پیشینه پژوهشهای مربوط به مثنوی معنوی

پیشینه تحقیق یا مرور ادبیات (Literature review) بخشی از پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های علمی است که در آن، وضعیت پژوهشهای انجام‌شده در حوزه تحقیقاتی مشخصی ارائه میشود و رویکردهای ویژه‌ای که در آن حوزه مورد توجه قرار گرفته‌اند بررسی میشوند. پیشینه تحقیق خلاصه‌ای از مهمترین مطالعاتی است که تا کنون در زمینه مورد نظر به ترتیب زمان ارائه شده است. تردیدی نیست که هر پژوهنده‌ای باید درباره موضوع پژوهش خود، همه آنچه را که پیش از او گفته و نوشته‌اند، مخصوصاً منابع اصیل و دست‌اول را پیش چشم داشته باشد تا هم از بررسی مجموع آنها به نکات تازه‌تری برسد و هم از تکرار گفته‌های دیگر محققان پرهیز کند. استفاده از منابع دست‌چند و گاه نامعتبر و غفلت از پژوهشهای جدید، از عواملی است که از اعتبار مقاله میکاهد؛ مثلاً در مقاله «اخلاق اجتماعی در مثنوی معنوی»، مؤلف فقط از سه منبع بعنوان منابع تحقیق یاد کرده است که مشخص است از ذکر منابع تحقیق سرباز زده است و همین امر از بار علمی مقاله کاسته است؛ هرچند که در داخل متن به برخی منابع مورد استفاده ارجاع‌دهی شده ولی شناسنامه منابع چون ذکر نشده است، دسترسی به منابع برای مخاطب جهت مراجعه امکان‌پذیر نیست. همچنین در مقاله «اخلاق ایمان‌مدار (مطالعه تطبیقی فلسفه اخلاق از نظر مولانا و کی‌یرک‌گور» نیز از پیشینه تحقیق سخنی به میان نیامده است. عدم ذکر پیشینه تحقیق و ارجاع‌دهی متناسب باعث گسیختگی آثار جدید با آثار گذشته میشود که نوعی سردرگمی برای مخاطب در پی دارد. در این بخش استفاده از منابع قدیمی و احتمالاً منسوخ شده در مقالات، باعث کم‌اعتباری یافته‌های برخی مقالات شده است. مثلاً در مقاله «بازتاب شاهنامه در مثنوی معنوی» (۱۳۸۴) مؤلف از شاهنامه نسخه ژول موهل (۱۳۶۳) بعنوان منبع استفاده کرده است؛ هرچند چاپهایی چون چاپ ژول موهل در زمان خود نقطه عطفی در تصحیح شاهنامه بوده‌اند، اما با توجه به گذشت زمان و پیشرفت چشمگیر شاهنامه‌شناسی و پیدا شدن نسخه‌های کهن و معتبری که مبنای چاپهای بعدی قرار گرفته است، دیگر نمیتواند پاسخگوی نیاز محققان باشد؛ چراکه در مقایسه با نسخه مسکو از اعتبار کمتری برخوردار است. از مجموع مقالاتی که مورد بررسی قرار گرفته است، ۱۸۵ مقاله فاقد پیشینه تحقیق هستند که در نوع خود میتوان آن را فاجعه نامید. ذکر همه این موارد در این مقاله امکان‌پذیر نیست؛ اما بعنوان

نمونه به برخی از آنها اشاره میشود. مقاله «بررسی رابطهٔ زمان و تعلیق در روایت پادشاه و کنیزک» (۱۳۸۸) که نویسندگان مقاله میتوانند به مقالهٔ قبلی خود که در سال ۱۳۸۶ با عنوان «بررسی عنصر زمان در روایت با تأکید بر حکایت اعرابی درویش در مثنوی» نوشته بودند اشاره‌ای داشته باشند. البته ناگفته نماند که مقاله «بررسی عنصر زمان در روایت با تأکید بر حکایت اعرابی درویش» (۱۳۸۶) نیز فاقد پیشینهٔ تحقیق است. همچنین در مقاله «بررسی چند شگرد روایی در قصه‌های مثنوی معنوی» (۱۳۸۸) پیشینهٔ تحقیق دیده نمیشود. «مقالهٔ غیب‌اندیشی مولوی در مثنوی معنوی» (۱۳۸۸) نیز فاقد پیشینهٔ تحقیق است. نویسندهٔ محترم مقاله در میان مقالات چاپ‌شدهٔ خود -بالغ بر شصت مقاله- که بیشتر آنها دربارهٔ شاهنامه و اسطوره‌شناسی است، سه مقاله دربارهٔ مولوی و مثنوی نوشته است که علاوه بر موضوع، محتوای آنها هم اغلب یکسان است. نویسندهٔ محترم این مقاله‌ها سعی نکرده است حتی به مقالات خود بعنوان پیشینهٔ تحقیق اشاره کند. البته در مقاله «زیباشناسی تمثیل و تحلیل ساختاری ادبیات تمثیلی مولانا بر مبنای نظریهٔ فلسفی صورتهای مثالی» (۱۳۹۱)، مقاله‌ای از مقالات خود را بعنوان پیشینهٔ تحقیق ذکر کرده‌اند که به نظر میرسد عنوان مقاله را درست به خاطر نداشته و آن را با عنوان «نقش فلسفهٔ تمثیلی مولانا در داستان‌پردازیهای مثنوی و سیر تحول نظریهٔ فلسفی عالم مثلی و تطبیق آن با نظریهٔ کهن‌الگوهای یونگ» آورده است که با جستجویی که نگارندگان پژوهش پیش رو انجام داده‌اند چنین مقاله‌ای وجود خارجی ندارد و فقط مقاله «نقش فلسفهٔ تمثیلی در داستان‌پردازیهای مولانا در مثنوی» (۱۳۸۶) و «اندیشهٔ مثالی و ادبیات تمثیلی، سیر تحول نظریهٔ فلسفی عالم مثلی و پیوند آن با ادبیات تمثیلی با تمرکز بر ادبیات تمثیلی مولانا در مثنوی و فیه مافیه» (۱۳۸۹) قبل از این مقاله از فرزاد قائمی به چاپ رسیده است که نویسنده از آن به اشتباه یاد کرده است. علاوه بر مقاله یادشده، نویسنده مقالهٔ سومی هم دارد که در مطالب با این دو مقاله تقریباً یکسان است و آن مقاله «تمثیل‌گرایی فلسفی و پیوند آن با ادبیات تمثیلی مولانا در مثنوی» (۱۳۸۹) است که در این مقاله هم مطالب دو مقالهٔ دیگر بنحوی تکرار شده است. از این قبیل مقاله‌ها میتوان به دو مقاله از عبدالرضا سیف نیز اشاره کرد: اولی «موسی (ع) و فرعون در مثنوی معنوی» (۱۳۸۱) و دیگری «موسی (ع) و پیامبران همعصر و بنی اسرائیل در مثنوی معنوی» (۱۳۸۳) است که چکیده و مقدمهٔ هر دو مقاله بدون هیچگونه تغییری مانند هم هستند و نویسندهٔ محترم سعی نکرده است به مقالهٔ خود بعنوان پیشینهٔ تحقیق اشاره‌ای داشته باشد. مقاله «دریدا و مولوی در برابر فلاسفه» (۱۳۸۶) را میتوان پیشینهٔ تحقیق مقالهٔ «سودای سبب‌سوزی (تأملی در فلسفه‌ستیزی مولانا در مثنوی با تکیه بر نقد برخی اطلاعات فلسفی)» (۱۳۸۷) دانست که مؤلفان بدان اشاره‌ای نکرده‌اند. قبل از مقاله «بی حرف روییدن کلام (بررسی اسباب و انواع خاموشی از دیدگاه مولوی)» (۱۳۸۷) با توجه به گزارش آقای گرجی در رسالهٔ دکتری خود، تا سال ۱۳۸۰ حداقل شش مقاله با همین موضوع چاپ شده است، که مؤلف بدانها اشاره نکرده است. در اینجا نباید از ذکر یک نکته غافل ماند و آن اینکه برخی از مقالاتی که چاپ شده‌اند در زمان خود اولین اثر در موضوع مقاله بوده‌اند که در این صورت نمیتوان برای آنها پیشینهٔ تحقیق در نظر گرفت ولی عدم وجود پیشینه نمیتواند دلیلی بر مغفول ماندن این بخش از مقاله گردد و مؤلفان وظیفه دارند به آن اشاره کنند و متذکر شوند که این مقاله فاقد پیشینهٔ تحقیق است؛ همچنانکه در بسیاری از موارد به همین ترتیب با پیشینهٔ تحقیق رفتار شده است. برای دستیابی به همهٔ مقالاتی که فاقد پیشینهٔ تحقیق هستند مخاطبان میتوانند به متن رسالهٔ دکتری یکی از نگارندگان جستار پیش رو (مقصود پشایی پایدار) با عنوان «نقد، بررسی و طبقه‌بندی مقالات مثنوی‌پژوهی در نشریات علمی-پژوهشی از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۲» مراجعه نمایند.

بکارگیری زبان نامناسب در مقالات

زبان در نوشتارهای پژوهشی فقط جنبه اطلاع‌رسانی دارد؛ از این رو باید جدی، برهانی، اثباتی و بر منطق استدلالی استوار باشد؛ بنابراین استفاده از زبان ادبی و جمله‌های عاطفی، احساسی، کنایی و در پاره‌ای از مقالات، استفاده از زبان استعاری از رسانایی زبان پژوهش می‌کاهد (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۴). در میان مقاله‌های بررسی‌شده به مقالاتی برمیخوریم که در لابلای مطالب آنها، برخی آرایه‌های ادبی چون تشبیه، کنایه و استعاره مشاهده میشوند. هرچند که برای جذاب کردن متن به کار رفته‌اند، ولی با اصل سادگی زبان در مقاله تنافر دارند که مؤلفان ملزم به زدودن کلام خود از آن آرایه‌ها هستند. مثلاً در مقاله «آئینه حضور: تجلی خداوند از دیدگاه مولانا (با تکیه بر مثنوی معنوی)» (۱۳۸۱)، زبان مؤلف میل به زبان ادبی دارد و هرازگاهی ترکیبات و جملات ادبی در متن مقاله مشاهده میشود. ترکیب «آئینه حضور» در عنوان دلیلی بر این مدعاست. سره‌نویسی و کهنگرایی افراطی نیز در مواردی محلّ‌رسانی مطلب میشود؛ چنانکه در مقاله «مثنوی: انگیزه‌های آموخته یا آموخته‌های انگیزه‌ها؟» (۱۳۸۶) و یا در مقاله «آسمان جان و نردبان آن» (۱۳۸۵)، گریز از زبان معیار رایج و تأکید بر سره‌نویسی سبب شده منظور اصلی نویسنده در پس‌واژه‌های رنگارنگ پنهان بماند، تا جایی که نویسنده گاه برای قابل فهم ساختن واژه‌ای غریب و کهن ناچار است واژه‌نامه‌ای در پایان مقاله ضمیمه کند. واژه‌هایی چون نابیوسان، پیر هژیر، خجسته ویر، در پیوسته، ورزه، گو گیتی، فرازناپی فراسوی، ناگهان انگیزه، خیزابهای اندیشه، پالوانه و مواردی از این قبیل که در مقالات ذکر شده به کار رفته‌اند. منتقدان صاحب‌نظری چون رنه ولک و اوستین وارن معتقدند باید میان ادبیات و تحقیق فرق گذاشت و این دو کارهایی متمایزند؛ یکی هنر است و آفرینندگی و دیگری شاخه‌ای از معارف انسانی. محقق اگر بخواهد کارش در قلمرو دانش باشد، باید تجربه ادبی خود را به زبانی منطقی بازگو کند (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۳).

توصیفی و سطحی بودن مقالات

برغم کمیت بالای مقالات مورد مطالعه، در برخی مقالات، محتوا عموماً توصیفی است و در آنها به ارائه و طبقه‌بندی اطلاعات بسنده شده که چندان مفید و کارساز نیست و مقالات تحلیلی و عمیقی که حاوی نکته و کشف تازه‌ای باشد، اندک است. همچنین مقالات مربوط به زمینه‌های نقد هنری مثنوی - شبیه آثار پژوهشگران خارجی در نقد شاهکارهای معروف جهان که مستلزم وقوف کامل بر اصول و شیوه‌های نقد هنری جهان است - بسیار اندک است. از سوی دیگر، بررسی‌های کلی و فاقد نگاه جزئی‌نگر سبب شده نتایج علمی یا کاربردی حاصل از اینگونه پژوهشها اندک باشد؛ بعنوان نمونه، مقالات زیادی تنها به بازنویسی ابیات مثنوی اختصاص یافته است. با آنکه بازنویسی ابیات برای آشنایی عموم مردم با مثنوی مفید است، مخاطبین مجلات را، که عموماً استادان، دانشجویان و محققان هستند، اکتان نمیکند و گاهی مطالعه اینگونه مقالات تأثیری در دانش خواننده ندارد. برای مثال میتوان به مقاله «سیمای نماز در مثنوی معنوی با استناد به آیات و روایات» (۱۳۸۸) و «علم از دیدگاه مولانا» (۱۳۸۰)، یا مقاله «سیمای ابراهیم در مثنوی» (۱۳۸۰) و نیز مقاله «از علی آموز اخلاص عمل» (۱۳۸۲) یا مقاله «بازتاب شاهنامه در مثنوی» (۱۳۸۴) اشاره کرد که در هیچ‌یک از آنها تحلیل مطالب و یا نقد و بررسی دیده نمیشود و مؤلفان محترم، مطالب مرتبط با موضوع مقاله را استخراج کرده و بصورت تیتروار در متن گنجانده‌اند. البته جای بسی امیدواری است که اغلب این مقالات مربوط به سالهای اولیه این تحقیق است و هرچه به زمان حال نزدیکتر میشویم، از حجم آنها کاسته میشود و جای خود را به مقاله‌های تحلیلی و جزئی‌نگر میدهد. در حوزه بررسی مفاهیم مختلف و متنوع مثنوی نیز تعداد مقالات ضعیف و سطحی قابل توجه است؛ بگونه‌ای که

در شماری از این مقالات گاه تنها به گردآوری و نقل ابیات مثنوی مرتبط با موضوع مورد نظر بسنده شده است. چنانکه در مقالهٔ «غم و شادی در تجربهٔ دینی مولوی» (۱۳۸۶) تنها ابیاتی از مثنوی که متضمن نکاتی از غم و شادی بوده گردآوری شده و یا در مقالهٔ «سیمای مسیح در مثنوی» (۱۳۸۰) و «سلیمان در مثنوی معنوی» (۱۳۸۰) فقط به برخی ابیات مثنوی بصورت فهرستوار اشاره شده است.

تکرار مطالب در مقالات

یکی از موضوعاتی که در انجام پژوهش باید در نظر گرفته شود تازه بودن موضوع است؛ اما از آسیبهای مقالات مثنوی‌پژوهی طرح موضوعات تکراری است. این امر که بیش از هر چیز ناشی از بیتوجهی به پیشینهٔ پژوهش و غفلت از آثار منتشرشده در هر موضوع است، سبب شده گاه مقالات جز در شیوهٔ انشاپردازی یا پس و پیش شدن شواهد و مثالها تفاوتی نداشته باشند. چنانکه دربارهٔ زنان چهار مقاله، در مورد مرگ پنج مقاله و دربارهٔ قرآن و نیایش در مثنوی سه مقاله در همین فاصلهٔ زمانی نگاشته شده است. گاه نیز انتشار یک مقالهٔ دقیق و قوی در موضوعی سبب شده مقالات بعدی در آن موضوع بصورت تکرار مطالب آن مقاله دربیایند؛ تا جایی که مقاله‌ای رونوشت کاملی از مقاله‌ای دیگر از کار درمی‌آید؛ برای نمونه میتوان به چند مقاله اشاره کرد: مقالهٔ «داستان‌پردازی و شخصیت‌پردازی در مثنوی مولوی» (۱۳۸۵) که تکرار مقالهٔ «داستان‌پردازی و شخصیت‌پردازی مولوی در مثنوی معنوی» (۱۳۸۲) است و نیز مقالهٔ «مقایسهٔ ساخت دو حکایت تمثیلی از مثنوی مولوی و الهی‌نامه عطار» (۱۳۸۹) به تأسی از مقالهٔ «مقایسهٔ ساخت دو حکایت تمثیلی از مثنوی مولوی و مصیبت‌نامه عطار» (۱۳۸۶) نوشته شده است. میتوان گفت نویسنده مطالب مقالهٔ مذکور را بنوعی کپی کرده است.

در این خصوص مسئله‌ای که نباید از نظر دور داشت انتخاب موضوعات سلسله‌دار از جانب برخی نویسندگان است که دیگر زحمتی برای نوشتن چکیده و مقدمه به خود نداده‌اند و چکیده و کلیدواژه و مقدمهٔ قبلی خود را برای مقالهٔ جدید خود درج کرده‌اند، مانند مقالهٔ «موسی و فرعون در مثنوی معنوی» (۱۳۸۱) که چکیده و کلیدواژه و مقدمهٔ این مقاله عیناً در مقالهٔ «سیمای موسی و پیامبران همعصر و بنی اسرائیل در مثنوی» (۱۳۸۳) تکرار شده است.

تحلیل معنا به متن در مقالات تحلیلی

از دیگر آسیبهای مقالات، ریختن محتوای مورد نظر نویسنده در ظرف متن یا به عبارت دیگر تحلیل معنا به متن است؛ بطوری که نویسنده اندیشهٔ خود را در متن گنجانده و منظور خود را در متن میخواند. معمولاً این مورد در مقاله‌هایی دیده میشود که مؤلف سعی دارد مطالب مثنوی را با مسائل نظریه‌پردازان معاصر روانشناسی، جامعه‌شناسی، فیزیک کوانتوم و... منطبق نشان دهد، لذا در پی سنجش مثنوی و اندیشه‌های مولوی با نظریه‌ای که در ذهن دارد، برمی‌آید و همین امر باعث میشود کلام مولوی را با ترازوی نظریهٔ مورد نظر خود هم‌وزن نشان دهد که به تحلیل معنا بر متن منجر میگردد. بعنوان نمونه نویسندهٔ مقالهٔ «گذر از درگاههای کیهانی از نگاه مولوی» (۱۳۹۱) معتقد است مولوی در مثنوی راه برونرفت از جو و قدم گذاشتن در فضای بیکران را بطور ضمنی بیان کرده است و ابیات منقول در مقاله را با توجه به برداشتهای خود تفسیر و معنا کرده است. نیز در مقالهٔ «تحلیل عرفانی داستان هانسل و گریل برادران گریم بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و مثنوی جلال‌الدین محمد بلخی» (۱۳۸۲) مؤلف با توجه به برخی تشابهات شخصیت‌های داستان هانسل و گریم یعنی نامادری، پدر، زن جادوگر، خانهٔ شکلاتی، با برخی از آیات قرآنی و ابیات مثنوی، سعی میکند این داستان را داستانی عارفانه جلوه

دهد و معنای ذهنی خود را بر متن داستان تحمیل نماید. نکته دیگر این است که نباید مسئله توارد را نادیده گرفت. کاش مؤلف مقاله به جای تأکید بر تأثیرپذیری نویسنده کتاب «بهترین داستان دنیا» از آیات قرآن و مثنوی، به بحث توارد توجه میکردند که به نظر قابل قبولتر از تأثیرپذیری است. اگر با نگرش نویسنده بخواهیم قضاوت کنیم، نامتجانس‌ترین متن‌ها را هم میتوان دو متن متجانس قلمداد کرد. آنچه نباید فراموش شود این است که وجود چند نکته مشابه نباید محقق را در دام توهمات بی‌اساس بیندازد و برداشتهای شخصی خود را بعنوان یافته‌های علمی قلمداد کند.

جز آنچه یاد شد، آسیبهای متعدد دیگری نیز در مقالات وجود دارد که به برخی از آنها فهرست‌وار اشاره میشود: ضعف داوری مجلات و چاپ مقاله‌های ضعیف اعضای هیئت علمی دانشگاه در مجله آن دانشگاه، مقالات ضعیف افراد با تخصص غیر از ادبیات و مثنوی‌پژوهی، نقل مطالب دیگران بدون ذکر مأخذ و رعایت امانت، حجم زیاد شواهد شعری، نقل مطالب و توضیحات غیرضروری و بی‌ارتباط با موضوع اصلی مقاله، عدم ذکر مأخذ، یاد نکردن نشانی ابیات مثنوی و تصحیح مورد استفاده، وجود اشکالات دستوری و نگارشی و ایرادهای املایی و تایپی فراوان در مقالات.

نتیجه‌گیری

از بررسی آسیبهای ذکرشده، این نتیجه حاصل میشود که علیرغم کمیت زیاد مقالات درباره مثنوی مولوی در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲، کیفیت این مقالات در وضع چندان مطلوبی نیست و از آنجا که پاره‌ای از این آسیب‌ها گریبانگیر مقالات چاپ‌شده در مجلات دانشگاهی و علمی-پژوهشی نیز هست، امید است با اجرای رویکردهای اصلاحی و دقت بیشتر مجلات در پذیرش و چاپ آثار، مقالات حوزه مثنوی از کیفیت بهتری برخوردار گردند. بر اساس پژوهش انجام‌شده میتوان معایب مقالات مورد بررسی را در موارد ذیل ذکر کرد:

با توجه به تحقیق انجام‌یافته میتوان گفت با بررسی مقالات یادشده از لحاظ عناوین مقالات میتوان به این نتیجه رسید که عناوین برخی مقالات طولانیتر از استاندارد عنوان مقاله علمی پژوهشی است و نیز برخی مقالات دارای عناوین مشترکی هستند که نشانگر تأثر نویسندگان اینگونه مقالات از یکدیگر است. برای رفع این مشکل بهتر است به پیشینه تحقیق در مقالات توجه بیشتری شود تا از دوباره‌کاری در مقالات جلوگیری گردد و اگر نویسنده‌ای مقاله‌ای با عنوان مشترک با مقالات قبلی مینویسد، بداند که موضوع مقاله‌اش قبلاً کار شده و او وظیفه دارد به جنبه تازه‌تری از موضوع توجه داشته باشد یا لاقلاً کاستیهای مقالات قبلی را جبران نماید و آلاً از نوشتن مقالات با عناوین تکراری پرهیز نمایند. از دیگر عیوب عناوین مقاله استفاده از عنوانهایی بود که دربرگیرنده محتوای مقالات نیستند و نمیتوانند در نگاه اول مخاطب را به موضوع تحقیق راهنمایی و هدایت کنند.

پیشینه تحقیق از موارد ضروری یک تحقیق است. طبق بررسی مقالات مثنوی‌پژوهی در حیطه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ به این نتیجه رسیدیم که بالغ بر ۱۸۲ مقاله فاقد پیشینه تحقیق است و نویسندگان ضرورتی برای نوشتن پیشینه تحقیق ندیده‌اند. این در حالی است که وجود پیشینه تحقیق برای اتصال نوشته یک فرد با نوشته‌های دیگر از ضروریات تحقیق است و نباید به بوتۀ فراموشی سپرده شود.

آنچه در مقاله پژوهشی باید مد نظر گرفته شود جنبه تحقیقی بودن آن است، ولی وجود مقالات سطحی‌نگر و احیاناً بی‌بضاعت در میان مقالات مورد بحث نشان از این دارد که برخی نویسندگان فقط ساختار مقاله را طبق دستورالعمل نشریه آماده کرده‌اند تا از مرحله داوری رد شود، ولی به محتوای مقاله توجه چندانی نکرده‌اند که همین امر باعث چاپ مقالاتی بی‌محتوا و سطحی‌نگر در مجلات گردیده است. بنابراین بر مسئولان نشریات و داوران

آنها واجب است که در هنگام داوری مقالات علاوه بر ساختار مقاله، به محتوای آن نیز توجه فراوان داشته باشند تا مقالات سطحی و بی‌کیفیت در نشریات چاپ نشود.

از دیگر آسیبهای موجود در مقالات مورد بحث، کپی‌برداری مقالات از یکدیگر است که در برخی مقالات، نویسندگان عیناً مطالب مقالات قبلی را با تغییر در جمله‌بندیها و پس و پیش کردن مطالب ذکر کرده‌اند و این در حالی است که اصلاً مطلب جدیدی برای گفتن ندارند؛ بنابراین باید با دقت نظر در محتوای مقالات مشابه از چاپ اینگونه مقالات جلوگیری شود.

زبان مقاله علمی باید ساده و عاری از پیچیدگی باشد و اگر در مقاله‌ای این مهم رعایت نگردد باعث ناکارآمدی مقاله خواهد شد. توجه بیش از حد به سره‌نویسی یا استفاده از آرایه‌های ادبی در مقالات علمی هیچ جایگاهی ندارد و باید نویسندگان خود را ملزم به رعایت این اصل نمایند تا با استفاده از زبان ساده، مقاله‌ای ارائه دهند که قابل فهم باشد و مخاطب بتواند پیام نویسنده را بخوبی دریافت نماید؛ نه اینکه برای دستیابی به پیام مقاله مجبور به مراجعه به لغتنامه گردد.

مقاله‌ای را میتوان مقاله علمی-پژوهشی دانست که دارای جنبهٔ تحلیلی باشد و اگر این امر رعایت نشود، در سطح مروری خواهد بود. از میان مقالات مورد مطالعه به تعدادی از مقالات برخوردیم که فاقد جنبهٔ پژوهشی بودند و مؤلفان فقط به ذکر شواهد مثالی از مثنوی بسنده کرده‌اند و هیچ جنبهٔ تحلیلی و تحقیقی در آنها دیده نمیشود. بر مؤلفان محترم مقالات فرض است که علاوه بر جمع‌آوری شواهد موضوعی، به تحلیل و بررسی موارد استخراج‌شده نیز همت گمارند تا مقالات آنها جنبهٔ پژوهشی نیز داشته باشد.

در موارد اندکی شاهد تحمیل معنا بر متن بودیم. یعنی نویسنده سعی کرده فرضیهٔ ذهنی خود را بر مثنوی مولوی تحمیل کند، لذا ابیات مثنوی را مطابق میل خود، معنا و یا تأویل کرده و نشان داده مولوی آنچه را که مؤلف ادعا کرده است در مثنوی آورده است. اینگونه موارد بیشتر در مقالاتی اتفاق افتاده که مؤلفان سعی کرده‌اند مثنوی مولوی را با علوم امروزی از قبیل روانشناسی، جامعه‌شناسی، نجوم، و فیزیک مطابقت دهند.

توجه به ضوابط ارجاع‌دهی درون‌متنی فقط آن مقدار مورد قبول است که بتواند مدعای نویسنده در مقاله را مستند نماید و به همین خاطر گفته شده است که نمیتوان بیش از سی درصد مقالات را به ارجاع‌دهی تخصیص داد. این در حالی است که در مقالات متعددی دیده میشود که نویسندگان فقط به ذکر مطالب از دیگر مقالات و کتابها روی آورده‌اند و اگر این ارجاعات را حذف کنیم، از نویسندهٔ مقاله مطلبی بر جای نمیمانند. اشاره به مطالب دیگران تا حدی که مؤید مطلب اصلی مقاله باشد اشکال ندارد و بیش از آن مخل تحقیق است و باید از آن پرهیز شود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رسالهٔ دورهٔ دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشگاه پیام نور استخراج شده‌است. سرکار خانم فاطمه کوپا راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای مقصود پاشائی پایدار بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر مصطفی گرجی و آقای دکتر احمد محمدی به عنوان مشاوران نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده‌است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

فهرست منابع فارسی

عسکری، صادق (۱۳۸۹) «نقدی بر انتخاب موضوع و عنوان مقاله در مجلات علمی-پژوهشی زبان و ادبیات»، مجله زبان و ادبیات عربی، بهار و تابستان، شماره ۲، صص ۱۵۳-۱۷۴.
فتوحی، محمود (۱۳۹۶)، آیین نگارش و ویرایش مقاله علمی-پژوهشی، چاپ شانزدهم، تهران: سخن.

REFERENCES

- Askari, Sadeq. (2010). "Criticism on the choice of topic and article title in language and literature scientific-research magazines", *Arabic Language and Literature Magazine*, Spring and Summer, No. 2, pp. 153-174.
- Fotuhi, Mahmoud. (2016). the ritual of writing and editing a scientific-research article, 16th edition, Tehran: Sokhan.

معرفی نویسندگان

مقصود پاشائی پایدار: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: m_pashaei@pnu.ac.ir)

فاطمه کویا: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: koupa8982@pnu.ac.ir) (نویسنده مسئول)

مصطفی گرچی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: gorji310@pnu.ac.ir)

احمد محمدی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: a_mohammadi56@pnu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Maqsood Pashaei Paydar: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: m_pashaei@pnu.ac.ir)

Fateme Koupa: Professor, Department of Persian language and literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: koupa8982@pnu.ac.ir : Responsible author)

Mustafa Gorji: Professor, Department of Persian language and literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: gorji310@pnu.ac.ir)

Ahmad Mohammadi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: a_mohammadi56@pnu.ac.ir)